

به نظر می‌رسند که هر یک ۳۳۰۰ دلار برای جمهوری آذربایجان آب خورده‌اند. لابی جمهوری آذربایجان از ۱۰ فوریه سال ۲۰۲۳ بعد از آنکه با گروه فرایدلندر (Friedlander Group) امضا کرد، رابطه بسیار نزدیک‌تری با لابی اسرائیلی- آمریکایی برقرار کرد. افتخار این مؤسسه این است که به نیابت از چندین سازمان یهودی لابی‌گری می‌کند. ازرا فرایدلندر که این مؤسسه نام خود را از او گرفته‌است، با بسیاری از بازیگران قدرتمند در سیاست آمریکا از جمله دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین، جرد کوشنر، داماد اوو حتی شلدون ادلسون کاربنودار میلیارد در رابطه نزدیک‌ی داشت. شلدون ادلسون حامی مهم بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا محسوب می‌شد. این مؤسسه وقتی که کار با جمهوری آذربایجان را اوایل سال ۲۰۲۳ آغاز کرد، بدون دره‌ای ائتلاف وقت ارتباط با سیاستمداران هر دو حزب آمریکا را آغاز کرد. در واقع براساس اسناد ارائه‌شده طبق قانون FARA او شخصاً با ۲۹ دفتر مختلف کنگره ملاقات داشته‌است. این دیدارها شامل ۹ دیدار مستقیم با نمایندگان مجلس وسناتور‌ها از جمله سناتور چاک شومر، رهبر اکثریت دموکرات سنا بود. هیچ‌یک از این چهار مؤسسه، نه IBGR، نه بیکر دالسون، نه استارل جی و نه فرایدلندر حاضر به اظهارنظر برای استفاده در این گزارش نشدند.

❖ دیگر وکلای مدافع جمهوری آذربایجان در آمریکا

تمام آنچه گفته‌شد فقط بخشی از اثرگذاری جمهوری آذربایجان در آمریکا است که اطلاعات آن به‌صورت عمومی در دسترس است. با توجه به تاریخ جمهوری آذربایجان، به نظر می‌رسد که اینها فقط قطه کوب یخ باشند. آنگونه که «پروژه گزارش‌گری جنایت و فساد سازمان‌یافته (OCCRP)» با دقت مستند کرده‌است، دولت جمهوری آذربایجان سابقه طولانی در پاک‌شویی اثرگذاری‌اش در اروپا و ایالات متحده آمریکا دارد. «ماشین پاک‌شویی آذربایجانی» آنگونه که OCCRP آن را نام نهاده است، یک «عملیات پیچیده پولشویی و حساب‌های مشکوک بود که در یک بازه دوساله از طریق ۴ شرکت صوری معادل ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار پول را مدیریت کرد.» دیگر تحقیقات در مورد اثرگذاری نامشروع جمهوری آذربایجان در اروپا این روش را «دیپلماسی خاویار» نامگذاری کرده‌اند. این نام به دلیل تلاش‌های مکرر مقام‌های آذربایجانی برای رشوه دادن به مقام‌های اروپایی با استفاده از کالاهای لوکس از جمله، آنگونه که از نامگذاری بر می‌آید خاویار، انتخاب شده‌است. در ایالات متحده آمریکا، مؤسسه باب لارنس و شرکا (BL&A) دریافت‌کننده پولی بود که از ماشین پاک‌شویی آذربایجانی تأمین می‌شد. باب لارنس و شرکا یک مؤسسه لابی‌گر در ویرجینیای شمالی بود. دریافت‌کننده دیگر عادل باقراف بود که OCCRP او را «مرد باکو در آمریکا» می‌نامند. براساس اطلاعات ارائه‌شده در قالب تعهدات قانون افشای لابی‌گری (LDA) سال ۲۰۰۴ باب لارنس و شرکا به نیابت از مؤسسه‌ای به نام Renaissance Associates لابی‌گری خود را آغاز کرد. این شرکت مستقر در باکو بود که حوزه فعالیت خود را «مشاوره تجاری» عنوان می‌کرد. اما آنگونه که OCCRP می‌گوید Renaissance Associates در واقع مسیر دور زدن پولی بود که از یک شرکت صوری به نام Hilux تأمین می‌شد که از دولت جمهوری آذربایجان می‌آمد و نهایتاً به باب لارنس و شرکا می‌رسید. براساس مستندات OCCRP بین‌سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ باب لارنس و شرکا برای تبلیغ منافع دولت آذربایجان در بالاترین سطح دولت آمریکا تلاش می‌کرد. از جمله اقدام‌های این مؤسسه هموار کردن مسیر برای سفر الهام علی‌اف به واشنگتن و دیدار سال ۲۰۰۶ او در کاخ سفید بود. باب لارنس، مدیر مؤسسه باب لارنس و شرکا، یکی از افرادی است که مرتباً در جلسات استماع زیرکمیته وزارت خارجه، عملیات خارجی و امور مربوطه به عنوان شاهد حاضر می‌شود. او در این جلسات برای پروا اهداف آذربایجان را ترویج می‌کند و از ارمنستان با عنوان یک «ملت باغی» یاد می‌کند. عادل باقراف که به‌عنوان «مرد باکو در آمریکا» شناخته می‌شود، به صورت گسترده برای آذربایجان در ایالات متحده آمریکا تبلیغ می‌کند. او چندین بار در مقابل مجلس نمایندگان آمریکا شهادت داده‌است و از استمرار کمک‌های نظامی ایالات متحده به آذربایجان حمایت می‌کرد. او مسئولیت هماهنگی فراکسیون آذربایجان کنگره را بر عهده دارد و چندین کنفرانس آذری-آمریکایی در واشنگتن دسی‌سی و باکو برگزار کرد. براساس تحقیقات OCCRP کمپانی مشاوره به نام Turbillion LLC که متعلق به باقراف است، ۲۵۳ هزار و ۱۵۰ دلار از Hilux دریافت کرده‌است که یک شرکت صوری متعلق به دولت آذربایجان است. این پرداخت چند ماه بعد از این انجام شده‌است که شرکت مشاوره باقراف یک هیئت از کنگره آمریکا به باکو اعزام کرد. نمایندگان کنگره هدایای گران قیمتی از جمله شال‌های ابریشمی، چای خوری‌های لوکس و فرش‌هایی تاراز ۱۰ هزار دلار دریافت کردند. تحقیقات کمیته اخلاق مجلس نماینده‌شد آمریکا نشان می‌دهد که هزینه‌های این سفر به‌صورت محرمانه توسط باکو پرداخت شده‌بود. ژانویه ۲۰۲۲ ماموران FBI آبی خانه هنری کونلار، نماینده دموکرات مجلس نمایندگان را از تگراس تفتیش کردند. کونلار ریاست فراکسیون آذربایجان کنگره را برعهده داشت. این نماینده کنگره رابطه نزدیکی با ماموران جمهوری آذربایجان در واشنگتن و مدیران نفتی این کشور داشت و مبالغ کلانی در قالب کمک برای کارزار انتخاباتی خود از آنها دریافت کرده‌بود.

❖ اثرگذاری ارمنستان در ایالات متحده آمریکا

برخلاف تلاش‌های گسترده جمهوری آذربایجان برای لابی در واشنگتن، ارمنستان از سال ۲۰۲۰ تا همین چندی پیش هیچ مؤسسه ثبت‌شده تحت قانون FARA با مؤسسه روابط عمومی در استخدام خود نداشت. ۲۷ مارس ۲۰۲۳ بود که گروه لیونگستون قراردادی با ائتلاف دموکراتیک ملی ارمنستان امضا کرد. براساس اسناد ثبت‌شده در قالب قانون FARA این گروه یک حزب عرب‌گرا در ارمنستان است که با جدیت برای کاهش نفوذ بدخواهانه روسیه در ارمنستان تلاش می‌کند تا با ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و دیگر متحدان و

شرکای ایالات متحده ارتباط نزدیک‌تری برقرار کند؛» در حالی که توافق اولیه با این مؤسسه لابی‌گر تنها ۵۰۰ دلار در ماه هزینه داشت و تنها هدف آن ایجاد دسترسی برای رهبران ارشد ائتلاف دموکراتیک ملی ارمنستان برای دیدار با سیاستگذاران آمریکایی بود. براساس گزارش ثبت‌شده مؤسسه لیونگستون، این گروه تلاش‌هایی را باهدف توقف صدور معافیت برای ماده ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی مصوب ۱۹۹۲ انجام داد. این ماده قانونی بخش اعظم کمک‌های نظامی آمریکا به جمهوری آذربایجان را پس از فروپاشی شوروی ممنوع می‌کرد مگر اینکه باکو «تماماً محاصره و استفاده تهاجمی از نیرو علیه ارمنستان و ناگورنو قره‌باغ را متوقف کند» «لاجهای ایالات متحده صدور معافیت از این قانون برای آذربایجان با امضای ۱۵ نماینده مجلس به مجلس نمایندگان آمریکا ارائه‌شد.

❖ مهاجران ارمنی در ایالات متحده آمریکا

هر چند گروه لیونگستون تا حدودی برای ارمنستان فرصت لابی‌گری فراهم کرد، اما ایروان به‌صورت سنتی بر جامعه پرجمعیت مهاجران خود برای اثرگذاری بر سیاست‌های دولت‌های غربی استفاده می‌کند. جامعه مهاجران که برآورد می‌شود بیش از یک میلیون نفر از آنان در ایالات متحده زندگی می‌کنند تاکنون موفقیت‌های زیادی در تلاش‌های تبلیغی به نفع ارمنستان به دست آورده‌اند که از جمله آنها می‌توان به بایکوت موفق برخی مؤسسه‌های لابی‌گر و روابط عمومی که برای آذربایجان کار می‌کردند، اشاره کرد. بخش اعظم مهاجران ارمنی در ایالات متحده بین دهه‌های ۱۸۹۰ و ۱۹۲۰ در دوران سرکوب ارمنی‌ها توسط امپراطوری عثمانی به آمریکا مهاجرت کردند. بین سال‌های ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۶ که کشتار حمیدیه توسط سلطان عبدالحمید دوم رخ داد، در دوران نسل‌کشی گسترده ارمنی‌ها در طول جنگ جهانی اول، دهه‌ها هزار ارمنی نجات‌یافته به آمریکا فرار کردند. وقتی در دهه ۱۹۲۰ جمهوری اول ارمنستان تحت سلطه شوروی متولدشد، مهاجران ارمنی که عمدتاً در آمریکا، فرانسه و روسیه و همچنین در لبنان، سوریه، ایران و کشورهای دیگر حضور داشتند، تلاش‌های شان را به آگاهی‌رسانی در خصوص نسل‌کشی ارمنه متمرکز کردند. بعد از زلزله مرگبار ارمنستان در سال ۱۹۸۸ در نزدیکی شهری که امروز به نام گیومری شناخته می‌شود، رقت‌وآمد مهاجران به جمهوری سوسیالیستی شوروی ارمنستان تسهیل شد و مهاجران فرصت‌های تازه‌ای پیدا کردند تا حمایت بین‌المللی را از ارمنستانی که در حال جنگ ویران داخلی بود، تقویت کنند. نخستین کمک‌های بشردوستانه گسترده ایالات متحده آمریکا به اتحاد جماهیر شوروی پس از جنگ جهانی دوم، در پی همین زلزله انجام شد. وقتی شوروی از آستانه فروپاشی قرار گرفت و منازعه ناگورنو-قره‌باغ به یک جنگ تمام‌عیار بدل شد، مهاجران ارمنی تمرکز کامل خود را به جنگ قره‌باغ یا آنگونه که ارمنی‌ها می‌گفتند آرتساخ، اختصاص دادند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ مهاجران ارمنی در آمریکا از حضور چشمگیر جمعیتی خود در آمریکا برای ایجاد روابط با جمهوری ارمنستان استفاده کردند. تصویب ماده ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی مصوب ۱۹۹۲ یکی از موفقیت‌های چشمگیر مهاجران ارمنی محسوب می‌شد، با این حال از زمان جنگ نخست ناگورنو-قره‌باغ، ترکیه و آذربایجان مرزهای خود را به روی ارمنستان مسدود کردند تا این کشور فقط از طریق گرجستان در شمال و ایران در جنوب به جهان خارج دسترسی داشته‌باشد.

بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر که دولت جورج بوش جنگ جهانی علیه ترور را اعلام کرد، دولت آمریکا معافییتی برای ماده ۹۰۷ صادر کرد و کمک‌های نظامی ایالات متحده با هدف حمایت باکو از واشنگتن و متحدانش در عملیات ضدتروریستی و تقویت امنیت مرزهای آذربایجان به باکو سرازیر شد. از سال ۲۰۰۲ تاکنون این معافیت هر سال تمدید شده‌است. هر چند تبصره این معافیت تأکید می‌کند که این کمک‌ها نباید «تلاش‌های جاری را برای مذاکره یک راهکار مسالمت‌آمیز میان ارمنستان و آذربایجان متوقف کند» و کمک‌ها «ن نباید جهت حمله به ارمنستان مورد استفاده قرار گیرد.» این تبصره به وضوح پس از حمله سال ۲۰۲۰ آذربایجان به قره‌باغ نقض شد. جامعه ارمنی آمریکا از دو مؤسسه «انجمن ارمنی» و «کمیته ملی ارمنی‌های آمریکا» به‌عنوان ابزار اصلی لابی‌گری در واشنگتن استفاده می‌کنند. این دو مؤسسه روابط نزدیکی با نمایندگان کنگره آمریکا برقرار کرده‌اند. فراکسیون ارمنی کنگره آمریکا به وضوح نماینده این اثرگذاری است و اکثر اعضای این فراکسیون از مناطقی هستند که جمعیت ارمنی در آن زیاد است. سال ۲۰۱۸ در پی خیزش مشهور به انقلاب مخملی، نیکول پاشینیان با کنار زدن دارودسته قره‌باغی‌ها از قدرت در ایروان با شعار مبارزه با فساد و بهبود حکمرانی دموکراتیک به قدرت رسید. این تحول باعث شد که ارمنستان فرصت داشته‌باشد خود را در تمایز با همسایه خود کامه به‌عنوان یک سنتون دموکراسی در منطقه نمایش دهد. مهاجران ارمنی خارج از کشور از این رویکرد حمایت می‌کردند. پاشینیان و حامیانش باور داشتند که این رویکرد باعث می‌شود کشورهای اروپایی و آمریکا از ارمنستان در مقابل تهاجم همسایه خود کامه پشتیبانی کنند اما در جنگ‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ برای ایروان روشن شد که منافع استراتژیک واشنگتن همچنان بر نگرانی‌های مرتبط با دموکراسی و حقوق بشر ارحیت دارد؛ مسئله‌ای که باعث ناامیدی ارمنی‌ها شد. از نخستین روزهای جنگ ۲۰۲۰ گروه‌های ارمنی در آمریکا تلاش کردند تا جلوی استفاده از قطعات غربی و آمریکایی در پهپادهای ترکیه‌ای که در جنگ علیه ارمنستان استفاده می‌شد، بگیرند و حمایت نمایندگان کنگره را برای این منظور جلب کنند. یکی از اصلی‌ترین اهداف مهاجران ارمنی این بود تا تحریم‌هایی علیه نخبگان آذربایجانی وضع نشود تا از این طریق بر اقدام‌های باکو تأثیر بگذارند، تا به امروز هیچ تحریمی در واشنگتن با بروکسل تصویب نشده‌است. ۴ آوریل ۲۰۲۱، جوبایشن به نخستین رئیس‌جمهور آمریکا بدل شد که کشتار نظام‌مند ارمنی‌ها در دوران امپراطوری عثمانی را نسل‌کشی نامید. این یک دستاورد قابل توجه برای ارمنی‌های مهاجر تلقی می‌شد. در عین حال سال ۲۰۲۳ هم هیچ معافییتی برای ماده ۹۰۷ قانون

حمایت از آزادی مصوب ۱۹۹۲ صادر نشده‌است و دولت می‌گوید که چنین معافییتی صادر نخواهد شد. هر چند این تحولات موفقیتی برای آرمان ارمنی‌ها محسوب می‌شود، اما به نظر می‌رسد این موفقیت‌ها خیلی کم و خیلی دیر باشد. دولت خود خوانده ناگورنو-قره‌باغ در پی حمله برق‌آسای آذربایجان ابتدای سال ۲۰۲۴ منحل شد و تهدیدها علیه ارمنستان همچنان جدی است. در حال حاضر تمرکز اصلی بر حفظ تمامیت ارضی ارمنستان است. در فرانسه هم که جمعیت قابل توجه مهاجر ارمنی حضور دارد، اعلام تصویب فروش تسلیحات دفاعی به ارمنستان یک گام مثبت تلقی می‌شود. هر چند لابی ارمنستان توانسته‌است در اروپا و ایالات متحده آمریکا، حمایت‌هایی را جلب کند، اما مجموعاً عملکرد آن نمایین است و نشان داده‌است که توانایی جلوگیری از تشدید تنش را ندارد. در هر صورت با توجه به اینکه جنگ اوکراین محیط پساشوروی را متحول کرده‌است، منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هم در قفقاز جنوبی در حال تغییر است.

❖ نبرد جاری برای جلب حمایت ایالات متحده آمریکا

بالافاصله پس از آغاز عملیات آذربایجان علیه ناگورنو قره‌باغ در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳، فراکسیون ارمنی کنگره آمریکا با انتشار بیانیه‌ای تصریح کرد: «جمهوری آذربایجان کارزار نسل‌کشی علیه مردم ارمنی ناگورنو-قره‌باغ را آغاز کرده‌است.» این بیانیه از دولت ایالات متحده خواسته‌بود که از همه ابزارها، از جمله تحریم، برای محافظت از ارمنی‌ها در این منطقه استفاده کند. یک روز بعد، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا با صدور بیانیه‌ای تأکید کرد که ایالات متحده آمریکا «عمیقاً ناسبت به اقدام‌های نظامی آذربایجان در ناگورنو-قره‌باغ نگران است و از آذربایجان می‌خواهد که این عملیات را فوراً متوقف کند.» عملیات آذربایجان، ۲۴ ساعت پس از آغازش پایان یافت، اما بیش از ۱۰۰ هزار ارمنی تبار در پی این حمله ناگورنو-قره‌باغ را ترک کردند. سناتور بن کاردین، رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا روز ۴ اکتبر با صدور بیانیه‌ای تأکید کرد که آمریکا باید همه کمک‌های نظامی به آذربایجان را تا پایان کامل «کارزار هماهنگ و عمدانه پاکسازی نژادی» متوقف کند. اجرای این پیشنهاد ساده نیست، چراکه همکاران او در فراکسیون آذربایجان کنگره و گروه‌های لابی‌گر همچنان به دفاع از اقدام‌های آذربایجان ادامه می‌دهند. برای مثال یک عریضه متعلق به سفارت آذربایجان که توسط گروه فرایدلندر در کنگره توزیع شد، ادعا می‌کرد که در واپسین جنگ ناگورنو-قره‌باغ «آذربایجان کاملاً در چارچوب هنجارهای حقوق بین‌الملل رفتار کرده‌است و همه اقدام‌های احتیاطی برای جلوگیری از آسیب‌های جانبی به غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی در نظر گرفته‌شده‌است.» اما این ادعا کاملاً با برداشت نهادهای مستقل مانند دیده‌بان حقوق بشر تفاوت داشت. این نهاد در گزارشی تأکید کرد که ادعاهای آذربایجان در مورد جلوگیری از تلفات غیرنظامی در ناگورنو-قره‌باغ «بعد از ماه‌ها رنج سخت، دهه‌ها منازعه، معافیت از مجازات برای اتهام‌های مربوط به جنایت و همچنین کارنامه رو به وخامت حقوق بشری دولت آذربایجان، به سختی قابل پذیرش است.» تا زمان تنظیم این گزارش، هیچ تحریمی با اقدام تبیینی علیه آذربایجان توسط آمریکا وضع نشده‌است و تنها اقدام معنی‌دار تصویب قانون حفاظت از ارمنی‌ها مصوب ۲۰۲۳ بود که جلوی صدور معافیت از ماده ۹۰۷ را می‌گرفت و عملاً کمک‌های نظامی به آذربایجان را مسدود می‌کرد. ارمنی‌های مهاجر در آمریکا نسبت به این رفتار دولت بایدن ناخشنود هستند. واکنش ناچیز آمریکا به استفاده آذربایجان از نیروی نظامی تا حدودی بازتاب بن‌بستی است که در نبرد لابی‌گری و اثرگذاری دو کشور درون ایالات متحده آمریکا رخ داده‌است. در واقع تلاش‌های اثرگذاری مهاجران ارمنی در آمریکا باعث شده که توجه سیاست‌گذاران جلب شود، اما نتوانسته‌است بر لابی آذربایجان در واشنگتن غلبه کند تا امکان تنبیه معنی‌دار آذربایجان برای حمله به ارمنی‌های ناگورنو-قره‌باغ را فراهم کند. دیگر توضیح ممکن برای واکنش خاموش آمریکا را می‌توان در بر خورد گزینشی سیاست خارجی واشنگتن با حقوق بشر پیدا کرد. ایالات متحده به صورت تاریخی در نقاطی که به لحاظ استراتژیک احساس آرمش کند، مدعی دفاع از حقوق بشر می‌شود و مداخله‌های نظامی کشورهایی مانند کوزوو، سومالی و عراق را بر مبنای بشردوستانه توجیه می‌کند. در تمامی این موارد مداخله نظامی آمریکا باعث ایجاد مشکلات بشری بیشتر شده‌است. به هر تقدیر به‌رغم شعارهای پرطمطراق در مورد دفاع از حقوق بشر، ایالات متحده عمدتاً تعرض به حقوق بشر را به‌ویژه اگر از سوی «دوستان آمریکا» رخ دهد، نادیده می‌گیرد. این موضوع می‌تواند تا حدی به عملی آمریکا را در قبال حمله آذربایجان به ناگورنو-قره‌باغ روشن کند. با توجه به روابط آذربایجان با اسرائیل و حمایتی که از اسرائیل دریافت می‌کند، می‌توان تصور کرد که چرا آمریکا در وضعیت بی‌قرار گرفته‌است که بی تفاوت کنار بکشد. اما «شرکت استراتژیک برای مهار ایران» بین اسرائیل و آذربایجان نباید باعث شود که آمریکا در قبال دیپلماسی قهری باکو با ایروان بی تفاوت بماند. تهدید یک منازعه جدید در قفقاز جنوبی، این بار در منطقه جنوبی تمامیت ارضی به رسمیت شناخته‌شده ارمنستان، جدی تر شده‌است. واشگتن باید کاری برای اجتناب از نقض واضح حقوق بین‌الملل و اخراج اجباری مجدد ارمنی‌ها توسط واحدهای نظامی آذربایجان انجام دهد. این احتمال وجود دارد که باکو بخواهد با استفاده از نیروی نظامی، «در بیدار زنگور» مدنظر خود را در خاک ارمنستان ایجاد کند. ارزش استراتژیک آذربایجان برای واشنگتن که پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ایجاد شده‌بود، از بین رفته‌است. جایگاه آذربایجان به‌عنوان تأمین کننده انرژی اروپا که هم ایران و هم روسیه را دور می‌زند، آنقدر مؤثر نیست که رنج ارمنی‌های ناگورنو-قره‌باغ و تهدید علیه تمامیت ارضی ارمنستان فراموش شود. در صورت بروز چنین جنگی، بار دیگر جایگاه اخلاقی‌ای که آمریکا در مقابل تجاوز روسیه به اوکراین برای خود تعریف کرده‌بود، درست مانند جنگ جاری فلسطین و اسرائیل زیر سوال خواهد رفت.

ترجمه: شهاب‌شهبوساری

دیپلمات‌ها



واکنش تهران به انتخابات تایوان

سخنگوی وزارت خارجه کشورمان حمایت قاطع ایران را از حق جمهوری خلق چین برای دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی خود اعلام کرد. به گزارش ایسنا، ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسش خبرنگاران در خصوص نتایج انتخابات تایوان اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران احترام به تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی کشورها را از مبانی سیاست خارجی خود می‌داند و در این چارچوب همواره حمایت خود را از اصل چین واحد اعلام کرده‌است.» سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: «در این راستا جمهوری اسلامی ایران بار دیگر حمایت قاطع خود را از حق جمهوری خلق چین برای دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی خود و همچنین اتحاد مجدد چین بر مبنای توسعه مسالمت‌آمیز دو سوی تنگه اعلام می‌دارد.»



سفر وزیر خارجه هند به ایران

سوبرامانیام جایشانکار، وزیر امور خارجه هند، دیروز برای رایزنی با وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران وارد تهران شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، سفر وزیر خارجه هند به تهران دوروزه است. وزیر خارجه هند پیشتر گفته بود: «هند از طریق بندر چابهار نه‌تنها به مناطق آسیای مرکزی دست خواهد یافت بلکه این احتمال وجود دارد که به روسیه نیز دسترسی پیدا کند و از طریق شمال ایران به روسیه برسیم و امروزه چگونگی ایجاد راه‌های مواصلاتی، برای دیپلماسی و روابط اقتصادی بسیار مهم است.» بندر چابهار که با کمک هند توسعه یافته، مرکز ترانزیت تجاری منطقه، به‌ویژه آسیای میانه است. دهلی‌نو با همکاری دولت ایران در توسعه فاز نخست پایانه شهید بهشتی در بندر چابهار مشارکت دارد. در بیانیه دولت هند آمده است که جایشانکار با همتای ایرانی خود «حسین امیرعبداللهیان» برای گفت‌وگو در مورد مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی ملاقات خواهد کرد.



واحدهای ۲ و ۳ بوشهر ۵ سال دیگر به مدار وارد می‌شوند

محمداسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، در پاسخ به این پرسش که نمی‌توانیم بی‌نامی خواهیم بمب اتمی داشته باشیم؟ گفت: «این موضوع نتوانستن نیست، بلکه نتخواستن و اراده نکردن است. اراده نظام و امنیت ملی ما بر این اساس نیست.» محمد اسلامی شبه‌هشб در برنامه افق فلسطین درباره تولید برق هسته‌ای در کشور گفت: «یک نیروگاه فعال داریم که بیش از هزار مگاوات برق تولید می‌کند و تاکنون ۶۲ میلیارد کیلووات برق به شبکه ملی تزریق کرده است و در حال توسعه دو واحد نیروگاهی دیگر در بوشهر هستیم که با سرعت خوبی در حال پیشرفت است و امیدواریم تا کمتر از پنج سال آینده این دو واحد هم به مدار وارد شوند.» براساس قراردادی که ۸ سال پیش ایران با روس اتم امضا کرد، قرار بود واحدهای ۲ نیروگاه اتمی بوشهر پاییز سال آینده و واحد ۳ کمتر از دو سال بعد از آن وارد مدار شوند. وی همچنین گفت، مطالعات و طراحی یا اجرای پروژه‌های مربوط به ۲۰ هزار مگاوات برق اتمی هم شروع شده تا در سال ۱۴۲۰ به سهم ۲۰درصدی برق اتمی در سطح کشور برسیم.